

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 419-436
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.28035.1649

Mimar Sinan Narrated by
Tezkiretü'l-Bünyan and Tezkiretü'l-Ebniye
A Critique on the Book “*Mimar Sinan Memories*”

Leila Ghaffari *

Jamal Arabzadeh **

Abstract

The cultural identity of a society is influenced by many factors, including religion, customs, art, and especially architecture. Moreover, the practical aspect of architecture in human life has made it important in the formation of civilizations such as Islam. The objective appearance of this civilization in the form of valuable artistic structures is due to the knowledge and skill of prominent architects like Sinan. Therefore, to get acquainted with architects and their unique perspectives, studying of remain historical cited texts is considerable. Due to Sinan's special place in the development of Ottoman architecture, as well as Islamic architecture, exploring the texts related to him, especially what was said by Sinan, is fruitful. Regarding this article, the Persian translation of his two valuable treatises in the form of the book "*Tezkiretü'l-Bünyan and Tezkiretü'l-Ebniye: Mimar Sinan Memories*" has been reviewed. So, after presenting formic characteristics of the book, historical aspects of pre-modern architecture and architects of Islamic world,

* PhD Student in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Art University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), ghaffari@student.art.ac.ir

** Assistant Professor, Faculty Member of Art University of Tehran, Tehran, Iran, arabzadeh@art.ac.ir

Date received: 2021-11-03, Date of acceptance: 2022-04-04



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۴۲۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱

the life and works of Sinan, his Biography, his treatise's introduction and finally a comparison between them and a similar text, *Risale-yi Mimariye* are discussed; Hence this comparison will be effective in better understanding the thoughts of the architects of that time, especially Sinan.

Keywords: Architecture, Architect, Mimar Sinan, *Tezkiretu'l-bunyan*, *Tezkiretu'l-ebniye*.



معمار سنان به روایت تذکره‌البنیان و تذکره‌الابنیه نقدی بر کتاب خاطرات معمار سنان

لیلا غفاری*

جمال عرب‌زاده**

چکیده

هویت فرهنگی یک جامعه، مولود عوامل متعددی چون: دین، آداب و سنن، هنر و به‌طور خاص معماری می‌باشد، که وجه کاربردی آن در زندگی انسان، موجب اهمیت به‌سزایش در شکل‌گیری تمدن‌های باشکوهی مانند اسلام گردیده است. از آنجاکه بروز و ظهور عینی این تمدن در قالب سازه‌های هنری ارزشمند، مرهون دانش و مهارت معمارانی برجسته همچون سنان عبدالمنان می‌باشد، لذا بررسی نوشتارهای برجای مانده از این بزرگان جهت آشنایی با دیدگاه‌های بی‌بدیشان قابل تامل خواهد بود. با در نظر داشتن جایگاه خاص سنان، در توسعه و پیشرفت معماری عثمانی و نیز معماری اسلامی، مطالعه و کندوکاو در متون مربوط به او، بالاخص آنچه از زبان خود معمار گفته شده، راهگشا می‌باشد؛ در این نگاشته، برگردان فارسی دو تذکره‌ی ارزشمند او در کتاب "تذکره‌البنیان و تذکره‌الابنیه: خاطرات معمار سنان" مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این راستا پس از ارائه‌ی مشخصات فرمی کتاب مذکور، به وجوه تاریخی معماران و معماری دوران پیشامدرن اسلامی، زندگی‌نامه‌ی استاد سنان، معرفی دو تذکره‌ی او و نهایتاً قیاس آن‌ها با رساله‌ای

* دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)،
l.ghaffari@student.art.ac.ir

** استادیار گروه نقاشی، عضو هیات علمی دانشگاه هنر، تهران، ایران، arabzadeh@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مشابه به نام رساله‌ی معماریه، پرداخته می‌شود. با این توجه که قیاس این متون با یکدیگر، در فهم بهتر افکار و ذهنیات معماران آن دوران و به‌خصوص سنان، موثر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: معماری، معمار، سنان، تذکرة البنیان، تذکرة الابنیه.

۱. مقدمه

در زمره‌ی شامخ‌ترین وجوه تمدن اسلامی و هم‌تراز با معماری غنی و باشکوه آن، حضور معمارانی عالی‌قدر به چشم می‌خورد که خالق بلامنزاع این جلال و جبروت در بناهای جهان اسلام بوده‌اند؛ آنان که در صدها کتیبه‌ی ادوار مختلف، نامشان تنها در نقطه‌ای دور از دید، ذیل کتیبه و در تتمه‌ی مطلب آورده شده است.

علت این امر را می‌توان در عدم استقلال معماری به‌عنوان یک پیشه، از نظام حکومتی جستجو نمود؛ چراکه معمار، در خدمت سلطنت و دولت وقت قرار داشت و برای مدتی طولانی یا طی تمام عمر حرفه‌ای خود، از ملازمان رکاب پادشاه به‌شمار می‌آمد. به‌طوری‌که، کلیه‌ی فعالیت‌هایش به فرمان مستقیم شاه صورت می‌گرفت. لذا در بیشتر جوامع اسلامی در گذر دوران، معماران کمتر از حیات مستقل حرفه‌ای برخوردار بوده‌اند.

بنابراین انتظار می‌رود که علی‌رغم وجود مستندات مکتوب عدیده در باب حکمرانان و پادشاهان ممالک اسلامی، به‌دلیل محجور واقع شدن معماران در نظام‌های حکومتی، نوشتارهای باقی‌مانده پیرامون آثار و زندگی آن‌ها چشمگیر نباشند؛ چنان‌که به زعم برخی از صاحب‌نظران این عرصه همچون گلو و نجیب‌اوغلو^۱ (Gülru Necipoğlu)، به جز چند رساله‌ی معدود، متن دیگری در دست نیست.

توجه دیگر اینکه با وجود برخورداری مسلمانان از روحیه‌ی نویسا بودن، در گذشته، هر معرفت شریفی مکتوب نمی‌گردید و این امر بر عدم اهمیت آن دلالت نداشت؛ علی‌الخصوص اگر مانند معماری، دارای حیث عملی نیز بود. (گودوین، ۱۳۸۸: ۲۵۵) بنابراین دور از ذهن نمی‌باشد اگر امروزه، منابع مکتوب معماری اسلامی و به‌طور خاص زندگی و آثار معماران این حوزه در دوران پیشین به لحاظ کمیت قابل توجه نباشند.

باین‌حال در زمره‌ی معدود رسالات ارزشمند برجای مانده، متون مربوط به معمار مشهور عصر طلایی عثمانی، سنان عبدالمنان (Mi'mâr Sinân Âğâ) هستند که علی‌رغم تکه-تکه و مجزا بودن از یکدیگر، به زعم هوارد کرین^۲ (Howard Crane)، مشهورترین منابع

معمار سنان به روایت *تذکره البنیان و تذکره الانبیه* ... (لیلا غفاری و جمال عربزاده) ۴۲۳

موجود پیرامون زندگی و آثار یک معمار خاص می‌باشند؛ (افندی، ۱۳۸۹: ۱۰) هرچند، در دوره‌ی خود سنان نیز رسالاتی پدید آمدند که در شمار منابع دسته اول جهت معرفی کارهای او، منظور می‌شوند از جمله: *رساله‌ی بی‌نام (آدسیز رساله)*^۳، *رساله‌ی "المعماریه"*^۴ و *تحفه‌المعمارین*^۵.

بعدتر، دو رساله‌ی *تذکره البنیان*^۶ و *تذکره الانبیه* که متفاوت از متون فوق‌الذکر بودند، از زبان معمار سنان و به قلم دوستش، ساعی مصطفی چلبی (Sâi Mustafa Çelebi) خلق گردیدند. این تذکرها که بنا به درخواست شخص معمار نوشته شده‌اند، به توصیف نحوه‌ی ساخت آثار و مسایل حادث به هنگام طراحی و اجرای بناها، نیز لحظات به‌یاد ماندنی زندگی و کار او پرداخته‌اند.

اگرچه این رسالات به بیان مستقیم دیدگاه‌های سنان نمی‌پردازند، با این حال، امکان پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از جمله: جایگاه معماران و به‌طور خاص معمارباشی^۷ در حکومت و جامعه‌ی آن زمان، شیوه‌ی معمار شدن، ارتباطات معمار و همکارانش، افراد موثر در پدید آمدن آثار معماری، شیوه و مراحل طراحی و خلق آثار و ... را فراهم می‌سازند. لذا بررسی و مطالعه‌ی متونی از این دست، اطلاعات دسته اول و موضوعات قابل تاملی را پیرامون معماری و احوالات معماران آن دوران برای محققان عرصه‌ی هنر اسلامی دربر خواهد داشت.

در این نوشتار، کتاب *تذکره البنیان و تذکره الانبیه*، به لحاظ فرمی و محتوایی، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا پیش‌درآمدی بر معماری، شأن و ماهیت آن در هنر و تمدن اسلامی آورده شده و در ادامه به زندگی‌نامه‌ی معمار سنان، بررسی تذکرها و مقایسه‌ی اجزای آنها با *رساله‌ی معماریه* پرداخته می‌شود. در نهایت نیز جمع‌بندی، پیشنهادات و نیز برخی انتقادات ارائه خواهد شد.

لازم به ذکر است که مترجم محترم کتاب حاضر، در مقاله‌ای تحت عنوان "رساله‌های *تذکره البنیان و تذکره الانبیه*؛ راهی به سوی ذهنیت معمار سنان درباره‌ی معماری" که برگرفته از رساله‌ی دکتری ایشان با عنوان *تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران* بوده است، با رجوع به این دو متن، و نیز سایر نوشتارهای مرتبط از جمله: *رساله‌ی معماریه* و *تحفه‌المعمارین*، سعی در فهم ذهنیت این معمار عالی‌قدر کرده و جنبه‌هایی از آن را برای پژوهشگران فارسی‌زبان امروز، عیان نموده است. (سلطانی و ندیمی، ۱۳۹۷: ۵)

۲. مشخصات کتاب

این کتاب، با عنوان اصلی: *Yapılar Kitabı: Tezkiretü'l-Bünyan ve Tezkiretü'l-Ebniye: Mimar Sinan'ın Anıları* نوشته‌ی ساعی مصطفی چلبی شاعر و نقاش قرن دهم هجری می‌باشد که توسط مهدی سلطانی به فارسی برگردانده شده و در چاپ اول به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۶ توسط موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن" انتشار یافته است.

دو رساله‌ی تذکرة البنیان (*Tezkiretü'l-Bünyan*) و تذکرة الابنیه (*Tezkiretü'l-Ebniye*)، متون پژوهشی ارزشمندی پیرامون زندگی و آثار معمار سنن عبدالمنان^۸ می‌باشند که در کتاب حاضر آورده شده‌اند. نسخه‌های اصلی این دو نوشتار، به زبان ترکی عثمانی و به خط عربی بوده، که بعداً به الفبای لاتین درآمده‌اند. ترجمه بر اساس متن ترکی عثمانی با خط لاتین صورت گرفته و برای املاى لغات، به تصاویر نسخ رسالات رجوع شده است. به علاوه، سعی شده تا اثر مسجع^۹ متن حفظ گردد و اعمال تغییرات تا حد امکان کمتر صورت پذیرد.

اما از آنجاکه این دو رساله مشتمل بر نظم و نثر می‌باشند، بخش منظوم مورد بازبینی و تصحیح محمدعلی معلم دامغانی، ریاست فرهنگستان هنر قرار گرفته و عبدالحسین لاله به تصحیح و تطبیق متن با نسخه‌ی ترکی پرداخته است. ویراستار و نمایه‌ساز کتاب نیز منصور احمدی، و صفحه‌آرایی و طراحی روی جلد با نمایی از مسجد جامع سلیمانیه^{۱۰} اثر معمار سنن، کاری از میثم رادمهر می‌باشد. قطع کتاب رقعی است، که با جلدی شومیز ارائه می‌شود.

کتاب دارای پیشگفتاری قابل تامل به قلم مهرداد قیومی بیدهندی، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته‌ی فرهنگستان هنر می‌باشد که در آن به بررسی شأن و ماهیت معماری در جهان اسلام، و نسبت آن با نوشتار پرداخته است. (قیومی، ۱۳۸۵: ۴۲) همچنین به دلیل اهمیت این دو رساله، نوشتارهای دیگری نیز به قلم انتشارات بانک کوچ (Koç Bank) و دوغان کوبان^{۱۱} (Doğan Kuban) در ابتدای کتاب آمده‌اند. نگاهی مجمل به سرگذشت این معمار بزرگ، نیز منبع‌شناسی دو رساله‌ی مذکور در ادامه قرار دارند. سپس متون، از پی یکدیگر و به تفکیک آمده‌اند. همچنین در میان سطور نظم و نثر تذکرة البنیان، به اقتضای مطالب ارائه شده، نماهایی از هر یک از آثار معماری ساخته شده توسط سنن و

نیز نقاشی‌هایی از پادشاهان آن دوران اضافه شده‌اند. در پایان نیز کتابنامه و نمایه‌ها قرار دارند.

اما به واسطه‌ی محوریت موضوع معماری اسلامی و به‌طور خاص حوزه‌ی امپراطوری عثمانی در این دو رساله، با نگاهی بر پیشگفتار کتاب، در بخش بعدی به معماری و جایگاه آن به‌عنوان یک پیشه در تمدن اسلامی، نیز معرفی شأن معماران در جهان اسلام آن روزگار پرداخته می‌شود:

۳. معمار و معماری در عصر اسلامی پیشامدرن

در جهان اسلامی پیشامدرن، مراد از "معماری" (Architecture)، حرفه‌ای برای ساخت محل زندگی انسان‌ها بود؛ پیشه‌ای کاربردی، که در زمره‌ی علم قرار نمی‌گرفت. فردی نیز که می‌خواست "معمار" (Architect) شود، از ابتدای کار در سطح شاگرد، به آن ورود می‌نمود. سپس به تدریج، بر حسب توانایی و قابلیت خود پیشرفت می‌کرد تا به مدارج بالاتر دست می‌یافت.

در مملکت عثمانی، بالاترین مرتبه در مشاغل این حوزه، سرمعمار یا "سرمعمار خاصه" بود که رئیس معماران کشور و برترین و تواناترین آن‌ها محسوب می‌شد. او بر کار سایر معماران، همچنین پروژه‌های عمومی و حکومتی نظارت می‌نمود. به‌طوری‌که این سمت، به‌مراتب سیاسی‌تر از دیگر کشورهای اسلامی از جمله ایران بود. باین‌حال، معماران مسلمان آن دوران، نه در مرتبه‌ی درباریان و سیاست‌مداران، و نه در گروه عالمان قرار داشتند؛ بلکه صرفاً از اهل فن به‌شمار می‌آمدند. (کوستوف، ۱۳۸۱: ۱۲۲ و ۱۱۶)

در ایران عصر صفوی نیز در رابطه با معماری، سمت‌هایی چون "سرکار عمارت" به‌معنای کسی که عهده‌دار مدیریت و نظارت چند پروژه‌ی دولتی بود و "مشرف" که صرفاً مدیریت مالی و تدارکاتی اجرا را متقبل می‌شد، وجود داشت. چنان‌که در کتیبه‌ی سر در مسجد اصفهان، نام محب‌علی‌بیک الله (بیکا الله) با عنوان "مشرف" آمده است؛ بنا بر گزارش اسکندربیک ترکمان، او "سرکار عمارات خاصه‌ی شریفه‌ی اصفهان" بود و به تعبیری مدیر پروژه‌های ساختمانی دربار در پایتخت محسوب می‌گردید. (چلبی، ۱۳۹۶: ۱۲)

چنان‌که در کتاب حاضر نیز اشاره شده است، سرمعمار یا معمارباشی کشور عثمانی، امور آب پایتخت، یعنی شهر استانبول را نیز بر عهده داشت. او به‌عنوان بالاترین مقام

مهندسی کشور، "سوناظری" یا ناظر آب هم به‌شمار می‌آمد. لذا معماری اسلامی این دوران، پیشه یا حرفه‌ای کل‌نگر و شخص معمار همچون سنان، مهندسی کارآزموده بود. همان‌طور که کوبان نیز در پیشگفتارش بر چاپ جدید تذکرة البنیان، به اهمیت مدیریت منابع آبی، اشاره نموده و طولانی‌ترین بخش این اثر را در باب نحوه‌ی آوردن آب به استانبول معرفی کرده است. (همان: ۳۳)

اما برای تبحر در معماری، ضرورت داشت تا فرد در سایر حرفه‌های مرتبط با ساخت بنا، همچون نجاری، حجاری، کاشی‌کاری و شناخت مواد مانند چوب و سنگ نیز تعلیم دیده باشد. در واقع، فراگیری معماری با آموزش نجاری آغاز می‌گردید و معمار استاد نمی‌شد مگر آنکه نجاری قابل بود. به‌علاوه، هنرهای وابسته به کتابت مانند خوشنویسی، تذهیب، تشعیر و نگارگری علی‌رغم استقلال از معماری، با آن تعاملی فعال داشتند. چنان‌که از همان قرن‌های ابتدایی اسلام، خوشنویسی و به‌طور خاص اقلام سته^{۱۲}، به یکی از شاخصه‌های بنا مبدل گشت و این امر در رابطه با هنرهای تذهیب و نگارگری نیز صادق بود. (نجیب‌اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۹۱-۲۸۷)

از حیث دینی هم بر مبنای فرهنگ پیشامدرن در جهان اسلام، "هستی" (Existence) و معماری با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ داشتند. لذا اثر معماریانه^{۱۳}، مصنوع و مجزا از خلقت نبوده و بخشی از آن به‌شمار می‌آمد؛ همان‌طور که در این دوران، اتصال با "معمار جهان" و وجود منشأیی مقدس برای انواع حرفه‌ها از جمله معماری، محوریت داشت. (ندیمی، ۱۳۷۴: ۴۷۴-۴۴۸) نتیجتاً ساخت بناهای زیبا و در خور توجه، با هدف تشبه به خداوند به‌عنوان خالق جمال و زیبایی، همچنین جلب رضایت خلق او در وهله‌ی بعد، رویکرد هنرمندان معمار آن عصر گردید.

در واقع این روحیه‌ی اخلاق‌مدارانه در معماران، که به شکلی کلی‌تر در نظام صنفی جوامع شهری استوار بود، به‌تدریج با حلقه‌های صوفیه مرتبط گشت. چنان‌که سبب پیدایش حلقه‌های صوفیانه‌ی صنفی، تحت عناوین "فتیان"، جوان‌مردان یا "اهل فتوت" گردید. (ندیمی، همان) بر پایه‌ی همین نگرش، نظام آموزش معماری، در چهارچوب استاد-شاگردی تعریف می‌شد؛ استاد، که پدر معنوی شاگردان به‌شمار می‌آمد، نظارتی ماورای صرفاً آموزش فنی، بر کلیه‌ی امور زندگی آن‌ها داشت. به‌طوری‌که آموزش و روابط استاد-

شاگردی، با زیست معماران عجیب بوده و آن‌ها حین فراگیری، به کار حرفه‌ای نیز می‌پرداختند.^{۱۴}

انتظار می‌رود که شیوه‌ی خاص آموزش و کار حرفه‌ای معماران در اعصار پیشین، به شکل‌گیری افق‌های فکری و دیدگاه‌هایی در خور تأمل بیانجامد؛ از آن سنخ که در آثار سنان نیز مشهود می‌باشد. همان‌طور که به تعبیر کتاب حاضر، استادانی چون او در "عالم معماری" دیگری به سر می‌برده‌اند. در بخش‌هایی از این دو رساله، دغدغه‌ی استاد معمار پیرامون چگونگی قضاوت آثار و کارهایش توسط آیندگان خودنمایی می‌کند. چنان‌که از او نقل شده است: "امیدوارم که تا آخرالزمان و قیامت، دوستان دل‌پاکی که منصفانه به آثارم چشم می‌دوزند، با مشاهده‌ی غیرت و جدیت کارهایم، دعای خیر خویش را از من دریغ مدارند: انشالله." (چلبی، همان: ۱۲۰ و ۲۷)

حال با داشتن این پیش‌زمینه‌ی مختصر پیرامون معماری و جایگاه ویژه‌ی معمار در جهان اسلام و به‌طور خاص حکومت عثمانی، گاه آن رسیده است که به احوالات استاد سنان و دو تذکره‌ی مورد بحث، به‌عنوان معدود منابع ذی‌قیمت برجای مانده از آن روزگار پرداخته شود:

۴. سنان بن عبدالمنان که بود؟

استاد سنان، مشهورترین معمار امپراطوری عثمانی، به سال ۸۹۵ ق / ۱۴۸۹ م در کایسری (قیصریه)، روستای آغیرناس چشم به جهان گشود. او به مدت ۵۰ سال در دوران حکومت سلیمان قانونی، سلطان سلیم دوم و سلطان مراد سوم، سمت معمارباشی دربار را عهده‌دار بود. لذا کلیه‌ی امور مرتبط با اداره‌ی شهر از جمله فاضلاب‌ها، آتش‌نشانی و تعمیر ابنیه‌ی تاریخی، نیز طراحی و نظارت بر ساخت عمارت‌های مهم در سراسر کشور، در زمره‌ی مسوولیت‌های او محسوب می‌گردید. (گودوین، همان: ۲۵۱)

در دوره‌ی سلطان سلیم اول (یاووز)، سنان کار خود را به‌عنوان یک سرباز آغاز نمود. سپس، به سمت آموزش‌دهنده‌ی سربازان رسید و به‌تدریج با انجام برخی امور ساختمانی، فرصت آشنایی با معماران بزرگ آن روزگار را پیدا کرد. در دوران سلطان سلیمان قانونی به‌واسطه‌ی همراهی سپاهیان عثمانی در جنگ‌ها، نیز انجام امور عمرانی همچون: ساخت سه کشتی برای دریاچه‌ی وان^{۱۵} و پلی بر روی یک رودخانه در مولداوی^{۱۶}، مورد توجه

قرار گرفت. در نهایت، بعد از درگذشت "علی عجم"^{۱۷} معمارباشی آن دوران، مسند او را عهده‌دار گشت.

به نقل از تذکرة البنیان، اولین اثر سنان در این سمت، مقبره‌ی ایاز پاشا وزیر اعظم سلطان سلیمان می‌باشد که پشت مسجد جامع ایوب در شهر استانبول قرار دارد.^{۱۸} همچنین در شمار آثار برجسته‌ی او جامع شهزاده^{۱۹}، سلیمانیه و سلیمیه^{۲۰} هستند که در این تذکره، فرآیند ساخت آن‌ها به تفصیل آمده است.

در رابطه با بنای جامع سلیمانیه این نظر وجود دارد که استاد، وجوه قابل ملاحظه‌ای از معماری رنسانس را به‌کار بسته است، تا جایگاه خود را به عنوان هنرمندی برخاسته از قرون وسطی، تثبیت نماید. (همان: ۲۷۷) به‌علاوه، از توصیفاتی که توسط سیاحان قرن هفدهم مانند اولیا چلبی (Evllya Çelebi) پیرامون این مسجد جامع صورت گرفته، این‌گونه برمی‌آید که مساجد ساخت سنان، شاهکار هندسه بوده‌اند؛ چراکه به باور او در اروپا، چنین بنایی که در آن علم هندسه به‌غایت کمال یافته باشد، وجود نداشته است.

بر مبنای کتاب حاضر در مجموع بیش از ۳۵۰ بنا، منسوب به معمار سنان می‌باشند که مشتمل بر: ۸۴ مسجد جامع، ۵۲ مسجد، ۵۷ مدرسه، ۷ دارالقرآن^{۲۱}، ۲۲ مقبره، ۱۷ عمارت، ۳ دارالشفاء، ۷ سد، ۸ پل، ۲۰ کاروانسرا، ۳۵ کوشک و سرای، ۶ انبار و مخزن، و ۴۸ حمام هستند. (چلبی، همان: ۳۰-۲۹)

آثار سنان را می‌توان نقطه‌ی اوج دوره‌ی کلاسیک دانست. به تعبیری دقیق‌تر، او در پایان این عصر ظهور نمود و همچون میکل‌آنژ (Michelangelo Buonarroti) که عهد رنسانس را به لرزه درآورد، بنیادهای زمان خود را متحول ساخت. اما عامل انفصال او از هم‌تایان ایتالیایی همچون آلبرتی (Leon Battista Alberti)، علاقمندی‌اش به حجم در قیاس با شکل بود؛ چنان‌که به‌واسطه‌ی گرایش به ساده‌گرایی بنا در مقابل تزئینات، بیش از آنکه در پی تاثیرگذاری باشد، در معرض دید آوردن مادیت جسم را مد نظر داشت. (گودوین، همان: ۲۷۸ و ۲۵۱)

او به‌عنوان استاد دوره‌ی طلایی عثمانی، نهایت عظمت و شکوه را به هنر و معماری کشور خود و نیز جهان اسلام عرضه داشت. در پایان نیز با داعیه ابدیت، به سال ۹۹۷ ق/ ۱۵۸۸م در سن صد سالگی، بر اثر حادثه‌ای در محل کارش درگذشت.^{۲۲}

۵. در باب تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه

قابل تامل است که این دو رساله، مستقیماً به وصف قواعد تخصصی معماری در آن عصر نمی‌پردازند. اما به واسطه‌ی ذکر جزئیات، خواننده را تلویحاً، به سوی دیدگاه‌های بدیع سنان پیرامون این موضوعات سوق می‌دهند. به سختی می‌توان پذیرفت که در پس شرح و بسط مفصل در تذکرة البنیان، نقطه نظرات استاد معمار نهفته نباشند؛ چراکه این متن، به توصیف بناهای ساخته شده همراه با رخدادها و حوادث زمان ساخت هر یک می‌پردازد؛ از جمله: تصمیمات و فرمان‌های سلطان، خدعه‌ها و توطئه‌های درباریان، دشواری‌ها و مشقات اجرایی و همچنین نحوه‌ی افتتاح و مراسم بازگشایی بناها. به زعم مولف کتاب و به نقل از سنان در تذکرة البنیان، فتح‌الباب جامع سلیمانیه به دستور پادشاه به خود معمار محول گردید، زیرا لایق‌ترین فرد برای انجام این مهم به‌شمار می‌آمد. (چلبی، همان: ۹۲)

اما ساختار رساله‌ی دوم، تذکرة الابنیه، به گونه‌ای دیگر می‌باشد؛ چراکه تحفه‌المعمارین، از جمله منابع دسته اول سنان که پیش‌تر درباره‌اش توضیح داده شد، الگوی آن بوده است. در این متن پس از فتح‌البابی مجمل، فهرست آثار استاد معمار در سیزده باب بر اساس کاربری بناها دسته‌بندی و اسامی آن‌ها به همراه محل هر یک آمده‌اند. این در حالی است که در تذکرة البنیان، فهرست بناها وجود ندارد؛ اما تاریخ ساخت و خصوصیات آن‌ها به تفصیل آورده شده‌اند.

در نهایت دو رساله‌ی مذکور، با اینکه دارای برخی تشابهات در مقدمه و ابیات منظومشان می‌باشند، از حیث ساختاری با یکدیگر متفاوتند. اما از آنجاکه مشتمل بر اطلاعاتی مرتبط و پیوسته حول آثار و احوالات یک معمار در عصری خاص می‌باشند، لذا می‌توانند مکمل یکدیگر واقع شده و در کنار هم یک اثر کامل را ارائه نمایند؛ چنان‌که در حدود قرن هجدهم میلادی، به صورت متنی واحد درآمده^{۳۳} و در کتاب حاضر نیز در یک مجلد انتشار یافته‌اند.

۶. مناقب معمار سنان در مقام قیاس

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، موثق‌ترین رسالات پیرامون معمار سنان و مناقب او، تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه می‌باشند. با اینکه شخص معمار، چندین بار تلاش کرد و دست

به قلم برد تا شرح‌حالی پیرامون خویش بنویسد، اما نتوانست این متون را به اتمام رساند؛ لذا انجام این مهم را به ساعی مصطفی چلبی، دوست شاعر و نقاش خود محول نمود. نوشتن شرح‌حال سنان توسط ساعی، می‌تواند از جهاتی مورد تامل واقع شود؛ از جمله اینکه، رسالات مذکور از زبان استاد معمار روایت می‌شوند؛ شیوه‌ای که در آن دوران، غیرمعمول نبوده و بسیاری از دولت‌مردان از آن بهره برده‌اند. پس احتمالاً از سر فروتنی، در وصف خود کلامی به میان نیاورده، چنان‌که به قلم ساعی نیز جاری نگشته است. درحالی‌که در این متون، مدح و ثنای پادشاه و به‌طور خاص سلطان سلیمان قانونی به وضوح مشهود می‌باشد.

گویی مقام سنان، همان جایگاه ناپیدا در تمهه‌ی کتیبه‌ها است و حضور نویسنده و معمار نیز در اثر، به بهانه‌ی جلال و شکوه همایونی، کم‌رنگ و در سایه قرار گرفته است. این امر زمانی بیشتر خودنمایی خواهد کرد که این دو تذکره، با نمونه‌ای دیگر از این دست یعنی رساله‌ی معماریه، اثر جعفر افندی (Cafer Efendi) مقایسه شوند؛ چراکه تقریباً شش فصل از این نوشتار، به شرح‌حال معمار محمد^{۲۴} و آثار او از زبان نویسنده با محوریت خود هنرمند پرداخته‌اند.

لازم به ذکر است که رساله‌ی معماریه به لحاظ زمانی، تقریباً یک قرن موخرتر از تذکره‌البنیان و تذکره‌الانبیه می‌باشد؛^{۲۵} حال آنکه طی این سده، در سراسر جهان و نیز عالم اسلام، جایگاه هنرمند به لحاظ نقش او در آفرینش اثر هنری اغنا یافته و به‌طور کلی، دیدگاه‌های انسان‌محورانه (Humanist) به جهت رویدادهایی چون رنسانس و ظهور عصر روشنگری تقویت گردیده‌اند. چنان‌که این مساله در متن اثر افندی نیز در قالب تحسین و تمجید مقام شامخ یک معمار از سوی همکارش در دوران بعد، و پرداختن به شأن و مناقب او تجلی یافته است.

از سویی، افندی که خود یک معمار می‌باشد، نگاهی تخصصی‌تر به مقولات مرتبط با ساخت بناها و معماری دارد؛ چنان‌که رساله‌ی معماریه، دارای واژه‌نامه‌ای فنی می‌باشد که افندی در آن، به قواعد مرسوم معماری در آن روزگار پرداخته است. به‌علاوه، فصل کاملی در باب هندسه دارد که اساس مشترک معماری و برخی از حرفه‌های دیگر از جمله صدف-کاری و موسیقی می‌باشد که معمار محمد نیز در زمان شاگردی خود در کارگاه‌های کاخ توپقاپی، به یادگیری آن‌ها پرداخته است.

اما این تقسیم‌بندی فصول بر اساس علوم، می‌تواند حاکی از روند تخصصی شدن دانش و هنر، نیز اهمیت یافتن منطق علمی در عرصه‌های مختلف از جمله معماری باشد. لذا کاربرد طبقه‌بندی در متون فنی، به‌خوبی در رساله‌ی معماریه مورد توجه قرار گرفته است. این اثر، شامل دسته‌بندی فصول بر اساس محتوا، توضیحی در باب هر فصل و فهرست قصاید و غزلیات به‌طور جداگانه در ابتدای کتاب می‌باشد، (افندی، همان: ۴۰-۳۷) که خود نشان‌دهنده‌ی انتظام فکری افندی، به‌عنوان یک معمار قرن ۱۱ است؛ درحالی‌که به‌هنگام مواجهه با آثار مرتبط با سنان، و به‌طور خاص تذکره‌البنیان، این موضوع کمتر به چشم می‌آید.

تذکره‌های مذکور، در مقام قیاس با آثاری چون رساله‌ی معماریه، به لحاظ نوع متن و محتوا بیش از آنکه تخصصی و فنی باشند، تاریخی-ادبی به نظر می‌رسند. چنان‌که در آغاز کتاب حاضر و در پیشگفتار کویان، به نوشته شدن تذکره‌البنیان به زبانی غیرحرفه‌ای و قرین نمودن جزئیات ساختاری با مشاهدات عینی توسط چلبی با ذکر مثال اشاره شده است.

در تایید این مدعا، می‌توان به کاربرد تمثیل‌هایی چون: "مور ناتوان" با اشاره به داستان حضرت سلیمان و مور، سرگذشت "فرهاد کوه‌کن" از منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی و چند هزار "دیو سلیمانی" به کنایه از ساخت بناهای عظیم به‌دست اجنه‌ی تحت فرمان حضرت سلیمان، در نظم و نثر تذکره‌البنیان اشاره نمود؛ همان‌طور‌که این امر، در بخش منظوم تذکره‌الانبیه، با ارجاعاتی به آیات قرآن و نیز برخی احادیث مشهود می‌باشد. (چلبی، همان: ۱۱۹ و ۱۱۵ و ۷۸ و ۷۲ و ۶۷)

۷. نتیجه‌گیری

ارتباط تنگاتنگ هنر با عرصه‌ی تمدن و فرهنگ جوامع انسانی از یک سو، و اهمیت حوزه-ی معماری به‌عنوان شاخه‌ای از هنر کاربردی با وجه عملی در ایجاد تمدن‌ها، شهرها و به-طور خاص مکان زندگی انسان‌ها از سوی دیگر، مطالعه و بررسی پیرامون معماری تمدن-های برجسته‌ای همچون اسلام را ضروری می‌نماید. در این راستا، وجود متون و منابع قابل استناد گذشتگان مغتنم بوده و تسهیل پژوهش‌های تاریخی آتی را در پی خواهد داشت.

چنان‌که پیش‌تر نیز آورده شد، پیرامون معماری اسلامی و احوالات معماران ادوار قبل، منابع نوشتاری چندانی در دست نمی‌باشد. لذا تمرکز بر معدود آثار باقی‌مانده در این حوزه، مانند *تذکره البنیان و تذکره الانبیه*، یا متون تخصصی‌تر و موخرتری همچون *رساله‌ی معماریه*، قابل توجه خواهد بود؛ چراکه از لحاظ استناد تاریخی، در حد کفایت موثق بوده و در حکم منابع دسته اول آن دوران، حاوی اطلاعاتی ارزشمند برای مطالعات امروزی می‌باشند.

برخورداری کتاب حاضر از پیشگفتارهای متعدد، که به جهت دیدگاه‌ها و اولویت‌ها متمایز می‌باشند، ورود خواننده را به متون اصلی تسهیل می‌نماید. مضاف بر اینکه وجود ارجاعات مناسب به منابع معتبر، نیز پانویس‌های جامع و مرتبط با مباحث مطرح شده، در استنباط عمیق‌تر این رسالات مثمر خواهد بود. پس، بر عهده‌ی پژوهشگران عرصه‌ی تاریخ هنر و معماری اسلامی است که در این متون با ارزش، به‌عنوان گنجینه‌های گرانبهای عظمت و شکوه هنر و تمدن دوران پیشین، غور نموده و به فهم و درک رویکردها و دیدگاه‌هایشان همت گمارند.

در اینجا شایسته است تا به کوشش مترجم محترم، که با نهایت دقت در برگرداندن متن به زبان فارسی موجبات آشنایی خوانندگان را با این رسالات ذی‌قیمت فراهم نموده‌اند، اشاره شود. اما مواردی نیز وجود دارند که محل تامل بوده و رفع نمودنشان در صورت امکان، ارتقای سطح کیفی و تخصصی کتاب را در چاپ‌های بعدی به‌دنبال خواهد داشت:

برخی از صفحات کتاب، نیازمند ویرایش مجدد می‌باشند؛ چنان‌که نام رساله‌ای در باب سنان، که در شمار منابع دسته اول او می‌باشد، به دو شکل متفاوت *تحفه‌المعمارین و تحفه‌المعماریه* به‌کار رفته است. این امر می‌تواند به‌خودی‌خود، موجب بروز ابهام در ذهن خواننده گردد. همچنین در برخی پانویس‌ها، اشتباهات چاپی از جمله: جابجایی شماره و محتوا به‌چشم می‌خورد؛ گاهی نیز منابعی آورده شده‌اند که در کتابنامه‌ی انتهایی نمی‌باشند؛ لذا به‌دلیل ارتباط تنگاتنگ با مفاهیم ارائه شده در خلال دو رساله، توصیه می‌شود که این موارد در پایان کتاب تکمیل گردند تا امکان رجوع مستقیم به این منابع فراهم گردد.

دیگر اینکه، مشابهت اسمی میان "*رساله‌ی معماریه*" و "*المعماریه*" که در متن آمده‌اند، می‌تواند منجر به سرگردانی خواننده در رابطه با منابع مرتبط با کتاب شود. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، رساله‌ی اول را جعفر افندی از معماران اوایل قرن یازدهم هجری، در مناقب

محمد بن عبدالمعین، معمار عالی‌قدر آناتولی در دوران عثمانی و از جمله شاگردان سنان، به رشته‌ی تحریر درآورده است. (افندی، همان: ۵) درحالی‌که دومی به‌عنوان یکی از منابع دسته اول در رابطه با معمار سنان، در زمان خود او اما به‌طور ناتمام پدید آمده، و ملول مریچ (Rıfkı Melûl Meriç) آن را منتشر نموده است. شایسته است که در چاپ‌های بعدی، در این رابطه توضیحی ارائه گردد؛ یا همانند آنچه در این نگاشته آورده شده، اسامی این دو رساله به تفکیک داخل گیومه قرار گیرند تا از هرگونه ابهام اجتناب شود.

نهایتاً در رابطه با تصاویر کتاب، مواردی وجود دارند که به‌دلیل کوچک بودن اندازه‌ی تصویر، عظمت و شکوه بنای مورد بحث برای اغلب خوانندگان روشن نمی‌باشد؛ از جمله: نماهای ارائه شده از مسجد جامع شهزاده. لذا با توجه به اهمیت بنا و در جهت درک بصری عمیق‌تر مخاطبان اثر، بهتر است تا همانند نماهای مسجد جامع سلیمانیه، در سایر موارد نیز از تصاویری در اندازه‌های بزرگ‌تر و نیز زاویه‌های برجسته‌تر بناها استفاده گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. او اهل ترکیه و متولد ۱۹۵۶ میلادی، شاگرد اولگ گرابار (Oleg Grabar) و استاد هنر اسلامی در دانشگاه هاروارد است. همچنین زمینه‌ی تخصصی او، مطالعات پیرامون هنر و معماری عثمانی می‌باشد.
۲. پروفیسور کرین، استاد تاریخ دانشگاه اوهایو و دارای تخصص در زمینه‌ی هنر و معماری اسلامی است. او مقالات عدیده‌ای نیز در دایرةالمعارف اسلامی دارد. او به سال ۱۹۸۴ "رساله‌ی معماریه" جعفر افندی را به انگلیسی برگردانده است؛ چنان‌که مقدمه‌ای نیز از او، در آغاز برگردان فارسی این متن می‌باشد.
۳. در آرشیو توپقاپی‌سرای به شماره‌ی D. 1461/3 نگه داشته می‌شود که توسط ملول مریچ، منتشر شد و اولین شرح حالی بود که سنان نیت به نوشتن آن نمود، هرچند به اتمامش نرساند.
۴. در آرشیو توپقاپی‌سرای به شماره‌ی D. 146/4'te (y. 1b-5a) نگه داشته می‌شود و شرح‌حال مفصل‌تری نسبت به رساله‌ی بی‌نام از زندگی سنان است که کامل نمی‌باشد. این اثر نیز توسط مریچ انتشار یافته است.
۵. این اثر به‌همراه دو کتاب فوق، در آرشیو توپقاپی‌سرای به شماره‌ی D. 1461/4, y. 6b-27b در یک جلد می‌باشد، که توسط مریچ انتشار یافته است.

۶. در تهیه‌ی تذکرة النبیان، نسخه‌ی مجموعه‌ی حاجی محمود افندی محفوظ در کتابخانه‌ی سلیمانیه به شماره‌ی ۴۹۱۱، به‌عنوان نسخه‌ی اصلی در نظر گرفته شده است. این متن علی‌رغم نداشتن تاریخ مشخص، به دلیل داشتن حاشیه‌نویسی‌ها و بی‌نظمی در صفحات و سطور، به احتمال زیاد نسخه‌ی مولف می‌باشد.

۷. جایگاه و مرتبه‌ی معمار در حکومت عثمانی، متمایز از بیشتر جوامع سنتی اسلامی بوده است. بناهای مجلل تحت حمایت "خاصه معمارلری اجاغی" یا هیات معماران دربار ساخته می‌شدند، که ریاست آن را استادی معمار تحت عنوان "خاصه معمارباشی" یا سرمعمار دربار برعهده داشت. او دارای کارکنانی بود که هر یک از جمله معماران و کارگران ماهر به‌شمار می‌رفتند. (افندی: همان: ۹)

۸. نام او را (Hristo) و عبدالله نیز گفته‌اند. (گودوین، همان: ۶۸۹) در دوران حکومت عثمانی، مرسوم بود آنان که مسلمان می‌شدند، عناوینی چون عبدالله، عبدالرحمان و عبدالمنان به‌جای نام پدر برایشان به‌کار رود؛ چنان‌که در قسمت منشور رساله‌ی تذکرة النبیان، از سنن به ابن عبدالمنان یاد شده است.

۹. در توضیح معنای مسجع در فرهنگ عمید آمده است: سخن با سجع و قافیه. (عمید، ۱۳۶۳: ۱۸۰۴) لذا می‌توان گفت نثر مسجع، نثری آهنگین و شعرگونه می‌باشد؛ همچنین علی‌رغم نداشتن وزن، از موسیقی قافیه و زیبایی‌های ترفندهای ادبی و ظرایف بلاغی همانند شعر برخوردار می‌باشد.

۱۰. این بنا به دستور سلطان سلیمان قانونی، توسط معمار سنن بر پا گشت. تاریخ شروع آن را ۱۵۵۰ میلادی آورده‌اند.

۱۱. او تاریخ‌نگار معماری ترک معاصر می‌باشد که در پاریس متولد شده و از جمله آثار او معماری عثمانی است.

۱۲. این اقلام شش‌گانه عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع که توسط محمد بن علی فارسی مشهور به "ابن مقله"، وزیر مشهور در جهت تکمیل و تدوین اسلوب‌های خوشنویسی حروف عربی پدید آمده‌اند. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۹۶: ۳۲۱)

۱۳. منسوب به معماری، برای متمایز نمودن معمارانه یا آنچه به معمار منتسب می‌شود از معمارانه، که منسوب به معماری است.

۱۴. این در حالی است که برنامه‌ی مدرن آموزش معماری در قرن‌های اخیر، بر مبنای دو روش مدرسه‌ی بوزار (Ecole des Beaux-Arts) در فرانسه و مدرسه‌ی باوهاوس (Bauhaus) در آلمان مطرح گردیده است؛ (ندیمی، ۱۳۷۵: ۴۵-۱۳) و تأثیرات این دو مکتب نیز به‌طور چشمگیر، تا حال حاضر در تعلیم معماری مشاهده می‌گردند.

۱۵. معروف به دریاچه‌ی تاتوان در نزدیکی قلعه‌ی وان.
۱۶. در آن زمان به "قرا بغداد" مشهور بوده، و در متن تذکره النبیان نیز "قرا بغداد" آمده است.
۱۷. او اهل آذربایجان و نام واقعی‌اش عبدالکریم بن علاالدین علی آقا بود؛ به همین جهت، به علی عجم مشهور گشت. درگذشت او به استناد تذکره النبیان، نزدیک به مرگ ایاز پاشا وزیراعظم آن روزگار به سال ۹۴۴ ق/ ۱۵۳۹ م می‌باشد. (چلبی، همان: ۶۰)
۱۸. تصور بر این است که مقبره‌ی مزبور، به‌عنوان نخستین اثر او به‌شمار می‌آید؛ درحالی‌که نام آن، در فهرست تربت‌های طراحی شده توسط سنان، در باب پنجم تذکره الابنیه نمی‌باشد. (همان)
۱۹. این مسجد در شهر استانبول برای بزرگداشت شاهزاده محمد، دومین پسر سلطان سلیمان قانونی که در سن ۲۳ سالگی در مانیه درگذشت، توسط معمار سنان در مقابل پادگان "اسکی اودالار"، محل دفن شاهزاده، بنا شده است.
۲۰. این مسجد جامع، در ادرنه و به فرمان سلطان سلیم دوم توسط سنان بر پا شده است. معمار در تذکره النبیان، هدف خود را از ساخت این جامع، رقابت با غیرمسلمانان یا به زعم او کفار، در بنا کردن مسجدی با گنبدی بزرگتر از ایاصوفیه عنوان نموده است. لازم به ذکر است که ارتفاع مرکز گنبد سلیمیه تا دایره‌ی مقطع ۳۰-۲۰ سانتی‌متر مضاف بر ایاصوفیه است، اما ارتفاع گنبد از زمین تا مرکز آن در ایاصوفیه بیشتر می‌باشد. به‌طوری‌که ارتفاع ایاصوفیه ۵۵/۶۰ متر و سلیمیه ۴۲/۲۵ متر گزارش شده است. (همان: ۱۰۵)
۲۱. به معنای مدرسه‌ی قاریان قرآن می‌باشد.
۲۲. کتیبه‌ی روی بقعه‌ی سنان، که نوشته‌ی چلبی می‌باشد، سال مرگ او را ۹۹۷ ق/ ۱۵۸۸ م در سن صد سالگی رقم زده است. (گودوین، همان: ۶۸۸)
۲۳. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به متن کتاب، صفحه‌ی ۳۸.
۲۴. محمد آقا، معمار دربار عثمانی بوده است که مجموعه‌ی سلطان احمد در شهر استانبول از جمله آثارش می‌باشد. لازم به ذکر است که رساله‌ی معماریه به قلم جعفر افندی، که در مورد زندگی و آثار او می‌باشد، پس از متون مربوط به سنان، تنها نوشته‌ی مدون در باب زندگی‌نامه‌ی یکی از معماران دربار عثمانی است. (افندی، همان: ۱۱)
۲۵. تذکره‌های سنان در قرن ۹، و رساله‌ی معماریه در قرن ۱۱ به نگارش درآمده‌اند.

کتاب‌نامه

- اتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابار، اولگ (۱۳۹۶)، هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- افندی، جعفر (۱۳۸۹)، رساله‌های معماریه، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن".
- چلبی، ساعی مصطفی (۱۳۹۶)، تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه، ترجمه: مهدی سلطانی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن".
- سلطانی، مهدی؛ ندیمی، هادی (۱۳۹۷)، "رساله‌های تذکرة البنیان و تذکرة الابنیه؛ راهی به‌سوی ذهنیت معمار سنان درباره‌ی معماری"، فصل‌نامه معماری و شهرسازی، سال ۲۸، شماره ۸۲، عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، جلد ۲، تهران: امیرکبیر.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۵)، "آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه"، دوره ۱۵، شماره ۴۲، نشریه صفا.
- کوستوف، اسپيرو (۱۳۸۱)، "معماران سده‌های میانه در شرق و غرب (۱)"، ترجمه: فرزانه طاهری، شماره ۶، فصل‌نامه خیال.
- گودوین، گادفری (۱۳۸۸)، تاریخ معماری عثمانی، ترجمه: اردشیر اشراقی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن".
- نجیب‌اوغلو، گل‌رو (۱۳۷۹)، هندسه و تزئین در معماری اسلامی (طومار توتقایی)، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه.
- ندیمی، حمید (۱۳۷۵)، "آموزش معماری، دیروز و امروز"، شماره ۱۴ و ۱۳، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- ندیمی، هادی (۱۳۷۴)، "آیین جوانمردی و طریقت معماران (سیری در فتوت‌نامه‌های معماران و بنایان)"، جلد ۲، مجموعه مقالات نخستین کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران.